

نگرش سکولار، نظریه‌های سکولاریزاسیون و جامعه ما

علی اصغر سیلانیان طوسی
محمد مسعود سعیدی نامقی

چکیده

آیا التزام دینی در مردم رو به تنزل است؟ و یا شکل دینداری در جامعه ما (شهر مشهد) در حال تغییر است؟ برای یافتن پاسخ، نظریه‌های مختلف سکولاریزاسیون را بررسی کردیم و سطوح سه‌گانه آن را مشخص نمودیم. سکولاریزاسیون فردی و محصول آن، یعنی نگرش سکولار را تعریف نمودیم و ابعاد و شاخص‌های آن را تعیین کردیم. میزان نگرش سکولار را سنجیدیم و عوامل گوناگونی را که می‌تواند در واریانس نگرش سکولار دخیل باشد، بررسی نمودیم. عمده‌ترین روش‌های به کار گرفته شده، تحلیل رگرسیون چند متغیری، تحلیل واریانس، تحلیل روند و تحلیل مسیر است. نمونه آماری، ۲۴۰ نفر از جوانان و میانسالان طبقات مختلف مردم شهر مشهد، در تابستان ۱۳۸۴ می‌باشند. تحقیق، حضور قابل ملاحظه نگرش سکولار، وجود شکل‌های نوین دینداری و عدم انسجام کافی در گروه‌های دینی را نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: نگرش سکولار، سکولاریزاسیون کلان، سکولاریزاسیون خرد، سکولاریزاسیون درون دینی.

بیان مسأله نگرش سکولار

موارد متعددی در اجتماع امروز ما وجود دارد که می‌تواند در نگاه اول، احتمال نوعی تغییر ارزشی و فرهنگی در اکثریت افراد جامعه را - خصوصاً بعد از پایان جنگ تحمیلی - در بیننده ایجاد کند؛ تمایل زیاد به مصرف و تجملات، احساسات ملایم‌تر و حتی شیفتگی نسبت به غرب، روابط بازتر میان زنان و مردان، تحوّل در شیوه گذران اوقات فراغت، بالارفتن تیراژ کتاب‌هایی که غیردینی و حتی نسبت به برخی از ابعاد دین صریحاً انتقادی هستند، و سایر مواردی که همه جلوه‌هایی از رشد نگرشی نو به جهان می‌باشند. به علاوه، رشد انحرافات اجتماعی از رشوه‌خواری و اختلاس و دزدی‌های کلان گرفته تا اعتیاد و ایدز و روسپیگری و قتل و آدم‌ربایی و

... همه این‌ها این‌گونه سؤال‌ها را پیش می‌آورد که آیا تعهد و التزام دینی کاهش یافته است؟ آیا شکل دینداری در جامعه رو به تحول است؟

برای یافتن پاسخ این‌گونه پرسش‌ها، راه‌های متفاوتی را می‌توان پیمود؛ مثلاً مقایسه چند لحظه آماری، در یک فاصله زمانی و یا بررسی دینداری بین نسلی؛ شیوه دیگر مقایسه دینداری افراد با یک دین معیار است. اما شیوه، ما سنجش میزان نگرش سکولار است؛ زیرا طبق تعریفی که خواهیم آورد، این مفهوم در مقابل مفهوم دینداری است، یعنی نگرش سکولار در هر بُعدی به معنای کاهش دینداری در همان بُعد است. بنابراین پرسش اصلی خود را این‌گونه طرح می‌کنیم که میزان نگرش سکولار در جامعه ما چقدر است؟ و چه عواملی در این نگرش مؤثرند؟

اهمیت پژوهش در این باره برای نظام سیاسی و اجتماعی که بر پایه ایمان جامعه مؤمنان به اصولی خاص، شکل گرفته است (قانون اساسی، ۱۳۷۳: اصل‌های دوم، سوم و چهارم)، واضح است. نظامی که حکومت را وسیله اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام می‌داند (امام خمینی^(ع)، ۵-۴۴)، نمی‌تواند نسبت به تغییر و تحولات وضع دینی مردم بی‌تفاوت باشد. کنترل نگرش سکولار و پی‌آمدهای آن جز از طریق شناخت روند سکولار شدن و بررسی عوامل آن میسر نیست.

پیشینه نظری

فرایند سکولاریزاسیون

برای واژه «secular» ریشه‌ها و معانی متعددی مثل «دنیوی»، «زودگذر»، «مادی» و مانند این‌ها ذکر کرده‌اند (Hadden, 2004; Gove, 1981).

سکولاریزاسیون یک فرایند است و نه یک مکتب فکری، به خلاف سکولاریسم که یک مکتب فکری است. تعریف سکولاریزاسیون در کلام جامعه‌شناسان اختلاف چندانی ندارد، مثلاً پیتزر برگر که متکلم، جامعه‌شناس و از صاحب‌نظران بنام در نظریه سکولار شدن است، سکولاریزاسیون را به عنوان «جریانی که از آن طریق بخش‌هایی از جامعه و فرهنگ از اقتدار نهادها و سمبول‌های دینی خارج می‌شوند»، تعریف می‌کند. بدین ترتیب سکولار شدن، در کنار جنبه نهادی، شامل جنبه فرهنگی نیز می‌شود (ویلیم، ۱۳۷۷: ۳۹؛ ویلسون، ۱۳۷۴: ۱۲۹ و Dobbelaere, 1999: 1-8 و Bruce: 2002).

سطوح مختلف سکولاریزاسیون

چنان که از تعریف‌های مختلف معلوم می‌شود، سکولاریزاسیون در نزد برگر و بسیاری از صاحب‌نظران دیگر هم در سطح نهادی-اجتماعی مطرح است، یعنی دین نفوذ اجتماعی خود را بر سایر نهادها مانند اقتصاد، سیاست و تعلیم و تربیت از دست می‌دهد (سکولاریزاسیون در سطح کلان) و هم در سطح فرهنگی-ذهنی، یعنی باورپذیری (Plausibility) آموزه‌های دینی نزد افراد از بین می‌رود و ایمان و اعتقاد قلبی آنان به سستی می‌گراید (سکولاریزاسیون در سطح فردی) (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۳۹؛ Bruce, 2002: 3).

سطح دیگر سکولاریزاسیون که در کار جامعه‌شناسان مهم تلقی شده است، سکولاریزاسیون خود دین است. از آنجا که دین در وضعیت متکثر قابل تحمیل نیست و عرضه کالا به مصرف‌کنندگان که مجبور به مصرف نیستند، بدون در نظر گرفتن نظر آن‌ها درباره آن کالا تقریباً غیرممکن است، محتویات دینی نیز با سلیقه مصرف‌کنندگان وفق داده می‌شود. البته منظور این نیست که ترجیحات مصرف‌کنندگان، محتویات اصلی دین را تعیین می‌کند. این فرایند می‌تواند به حذف عناصر ماوراء مادی یا لاقابل عقب‌راندن و تخفیف اهمیت آن عناصر بیانجامد (سکولاریزاسیون درون دینی) (جلیلی، ۱۳۸۳: ۷۳؛ ویلم، ۱۳۷۷: ۱۴۰).

بنابراین سکولاریزاسیون درون دینی را این گونه می‌توان تعریف نمود: تغییر و تحول در برداشت‌ها و قرائت‌های دینی که کارکرد آشکار و قصدشده آن حفظ و تقویت دین در دنیای نوین است. این تحولات معمولاً دارای ادله درون دینی می‌باشد.

نظریات جامعه‌شناختی درباره سکولاریزاسیون

۱. نظریات سکولاریزاسیون (رویکرد تقاضا برای دین)

این نظریه‌ها، سکولاریزاسیون کلان و در نتیجه آن، سکولاریزاسیون فردی را در اکثر جوامع، امری در حال جریان می‌دانند و عواملی چون تکثر فرهنگی و رشد روحیه علمی را در این خصوص مؤثر می‌شمارند. اینان معتقدند که شرایط جدید اجتماعی در دنیای مدرن به گونه‌ای است که تقاضا برای دین پیوسته رو به کاهش می‌رود. پیتر برگر در تعریفی که از او برای سکولاریزاسیون آوردیم، ویلسون و اخیراً بروس در این دسته قرار دارند (ویلسون، ۱۳۷۴: ۱۴۱-۱۲۵؛ همیلتون، ۱۳۸۱: ۲۹۷-۳۰۰؛ Bruce, 2002: 2-44؛ Hadden, 2004: 5-7).

۲. نظریات پساکولاریزاسیون Post secularization (رویکرد عرضه کالای دینی یا religious economy)

این نظریه‌ها بیشتر به چرخه تحولات درون‌دینی توجه دارند. بر طبق این نظریات، سازمان‌های رسمی دین برای حفظ مشارکت دینی در مردم، درهای خود را تا حدودی به روی روح زمانه باز می‌کنند و با انعطاف در برخی از باورها و احکام، خود را برای بقا در عصر نو آماده می‌نمایند (سکولاریزاسیون درون‌دینی). نظریات پساکولاریزاسیون معتقدند که تقاضا برای دین همیشه وجود دارد، این عرضه کالای دینی است که تغییر می‌کند. ایشان بیان می‌کنند که روند سکولاریزاسیون سازمان‌های رسمی دین کم‌کم به جایی می‌رسد که دین عرضه‌شده توسط آنان نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای عمیق و معنوی مردم باشد. در این هنگام است که جنبش‌های احیای دین (فرقه‌ها sects) و یا نوآوری دینی (کیش‌ها cults) رونق می‌یابند و کالاهای دینی معنوی تری عرضه می‌کنند. بنابراین روند سکولاریزاسیون از نظر اینان روندی خودمحدودکننده است. به علاوه با رواج فرقه‌ها و کیش‌ها، عرضه کالای دینی از حالت انحصار درآمده و به بازار رقابت ادیان تبدیل می‌شود. یکی از این سازمان‌های دینی که از دیگران جلو می‌افتد، برای جذب عضو بیشتر هم‌نوابی افزون‌تر با زندگی دنیای مردم را آغاز می‌کند و همان فرایند قبلی تکرار می‌شود. استارک و بین بریج، ارائه‌دهندگان اصلی این دسته از نظریات هستند (همیلتون، ۱۳۸۱: ۳۱۰-۳۰۶ و Hadden, 2004: 5-7 و Dobbelaere, 1999: 1).

۳. نظریه نوسکولاریزاسیون neosecularization

این نظریه با ترکیب کردن نظریه‌های سکولاریزاسیون و پساکولاریزاسیون به ایده خود می‌رسد و ادعای اصلی آن این است که دین در وضعیتی پایدار از دگرگونی قرار دارد و بنابراین استمرار خواهد یافت. به عبارت دیگر دین را پایدار ولی در تحولی دائمی می‌بیند و معتقد است که همواره شکل‌ها و ترکیب‌های نوین دینداری جای شکل‌های قدیمی را می‌گیرند (Yip, 2002: 199).

نگرش سکولار

مقصود از نگرش، «عقیده‌ای است که شامل یک جزء ارزشگذار (evaluative) و یک جزء هیجانی (emotional) باشد» (ارونسون، ۱۳۷۹: ۷-۹۶).^۱

بر این مبنا، «نگرش» دارای سه بعد یا سه جزء است: ۱. شناختی (cognitive)؛ ۲. ارزش‌گذارانه (evaluative)؛ ۳. هیجانی یا عاطفی (emotional)/انگیزه‌ای (motivational). بُعد دوم و سوم که بسیار به هم مربوطند، اثر خود را در رفتار فرد نشان می‌دهند؛ ۴. رفتاری (behavioral) که می‌توان آن را به عنوان پیامد نگرش در سطح فردی در نظر گرفت.

«نگرش سکولار» در واقع تجلی و نمود فرایند سکولاریزاسیون در فرد است (محصول سکولاریزاسیون در سطح فردی). نگرش سکولار، مجموعه‌ای است از باورها، ارزش‌ها و عواطف (یا انگیزه‌ها) نسبت به زندگی و جهان هستی که بر حسب آن پدیده‌های طبیعی و تجارب زندگی بدون ارجاع به چیزی بیرون از طبیعت و اجتماع، تفسیر و تحلیل می‌شوند، یعنی توصیف و تعیین جهان هستی، تنها با معیارها و ضوابط تجربی و فنی - عقلانی صورت می‌گیرد (بینش سکولار)؛ ارزش‌هایی مثل سعادت و رفاه زندگی دنیوی، لذت و خوشی، قدرت و تسلط بر طبیعت و اجتماع، پیشرفت و کسب منافع مادی به والاترین ارزش‌های فرد تبدیل می‌شوند (ارزش سکولار)؛ محبت و اشتیاق به دنیا و شئون آن بر اساس خواسته‌های شخصی و مستقل از آموزه‌های دینی و دستورهای الهی محقق می‌شود و انگیزه‌های منفعت‌اندیشانه و حاصل از تأملات عقلی در علت و معلول‌های طبیعی، بر انگیزه اطاعت از دستورهای دینی و طلب رضای خداوند غلبه می‌یابند (عاطفه سکولار).

چهارچوب نظری

طرح نظری و چارچوب تئوریک این تحقیق، از نظریه‌های «سکولاریزاسیون» خصوصاً به روایت برایان ویلسون، استیو بروس و کارل دابلر گرفته شده است. نظریه‌هایی که تحت عنوان «پساسکولاریزاسیون» طبقه‌بندی می‌شوند، ابتدائاً برای تعیین رونق دینی در جامعه فراصنعتی امریکا به عنوان یک مورد استثنایی،

۱. مترجم محترم «evaluative» را «ارزیابی‌کننده» ترجمه کرده‌اند که با توجه به توضیحات خود ارونسون، کلمه «ارزشگذار» در این جا بهتر مقصود را می‌فهماند (آشوری، ۱۳۷۴).

پرداخته شدند، هر چند بعدها، برخی در صدد تعمیم آن‌ها برآمدند. نظریه یا نظریه‌های «نوسکولاریزاسیون» نیز در اصل برای تبیین گونه‌ها و شکل‌های نوین گرایش دینی در میان جوانان اروپایی به وجود آمده‌اند. بر طبق نظریه‌های سکولاریزاسیون، دین در بُعد فردی (دینداری)، در دنیای مدرن متأثر از تکثر و تنوع فرهنگی تحول می‌یابد و صورت‌های سنتی دین جای خود را به اشکال جدید می‌دهند. صنعتی شدن و شهرنشینی، اقوام و گروه‌های مذهبی و نژادهای مختلف را کنار هم جمع می‌کند. همین تنوع و تکثر فرهنگی، فرایند خصوصی‌سازی دین را به دنبال دارد؛ زیرا نمی‌توان در حوزه عمومی، هنجارها و ایده‌هایی را اعمال کرد که مورد وفاق گروه‌های مختلف نیست. بنابراین دین به حوزه خصوصی رانده می‌شود و دولت بی‌طرف، اجتماع را بر اساس کلی‌ترین ارزش‌های مشترک اداره می‌کند (همیلتون، ۱۳۸۱؛ ویلسون، ۱۳۷۴؛ Dobbelaere, 1999؛ Bruce, 2002).

پیامد دیگر تکثر فرهنگی، فردی شدن دین است. فردی شدن را می‌توان با بحث وورتسباخر در مورد اجتماعی و فرهنگ پذیر شدن، توضیح داد (حیدری بیگوند، ۱۳۸۰: ۸-۱۰۷). فردی شدن دین نیز مصداقی از همین فراگرد است. شخص در محیط متکثر دینی و در برخورد با مذاهب و نظام‌های فکری و ارزشی متنوع، نسبت به آنچه خود دارد، حاشیه‌ای می‌شود و می‌تواند از بیرون و با دیدی انتقادی تر به آنچه خود و دیگران دارند، نگاه کند و به نحوی مستقل تر از گذشته، به انتخاب یا التقاط و حتی نوآوری دست یازد. واضح است که خصوصی شدن و فردی شدن دین، صورت‌ها و اشکال بدیعی از دینداری می‌آفریند.

به طور خلاصه در دموکراسی‌های غربی مدرنیزاسیون خودجوش به علت ایجاد تکثر فرهنگی و دینی اهمیت اجتماعی دین را زدود. تشکیل حکومت‌های سکولار و بی‌طرف، و حذف حمایت از دین در سطح اجتماعی، اثری روانشناختی - اجتماعی روی باورهای مردم گذاشت؛ زیرا باورپذیری و موجه‌نمایی ایده‌هایی که حمایت اجتماعی خود را از دست داده‌اند، با مشکل مواجه می‌شود (سکولاریزاسیون در سطح کلان راه را برای سکولاریزاسیون در سطح فردی باز می‌کند). چنین ایده‌هایی دیگر بدیهی و مسلم و بی‌چون و چرا، تلقی نمی‌گردند. به علاوه نفس تکثر و تنوع فرهنگی و دینی، از رهگذر فرایندهای فردی شدن دین، بخش بخش شدن جهان زندگی (compartmentalization)، خصوصی شدن دین (privatization)، نسبییت باوری، عینیت‌زدایی و بالاخره شکاکیت به نگرش‌های سکولار دامن زد (همیلتون، ۱۳۸۱؛ ویلسون، ۱۳۷۴؛ Dobbelaere, 1999؛ Bruce, 2002؛ سراج‌زاده، ۱۳۸۳).

در جامعه ما مدرنیزاسیون وارداتی، در کنار حکومت دینی و همراه آن است. دین دارای اهمیت اجتماعی - ساختاری است و در شکل دهی به نهادهای سیاست، اقتصاد، حقوق، تعلیم و تربیت و... نقش عمده بازی می‌کند. در جامعه ما دین خصوصی نشده و از حمایت اجتماعی برخوردار است. قسمتی از این حمایت رسمی و بخشی از آن نیز خودجوش است. بنابراین مکانیزم‌های اجتماعی که پذیرش باورها را تسهیل می‌کنند و به آن‌ها اعتبار می‌بخشند، در کار هستند، ولی ورود بخش‌هایی از مدرنیته، سبب نفوذ ایده‌ها، ارزش‌ها، و رفتارهایی از فرهنگ‌های دیگر شده است و افراد را در محیطی همچون محیط پلورالیستیک، در معرض گزینش «بازترکیب» (recomposition) و «درهم‌آمیزی» (syncretism) (اصطلاحات از نیک پی، ۱۳۸۰: ۴۹) عناصر فرهنگی قرار داده است. بنابراین همان فرایندهای فردی شدن دین، بخش‌بخش شدن جهان زندگی و خصوصی شدن تدریجی دین نسبت به همان بخش حمایت اجتماعی غیررسمی (یعنی از دست دادن تدریجی حمایت خودجوش) و به دنبال آن نسبیّت‌باوری و عینیت‌زدایی و شکاکیت می‌توانند راه را برای نگرش سکولار هموار کنند.

مدل تبیینی

در نظریه‌های سکولاریزاسیون متغیرهای همبسته و یا عواملی برای سکولاریزاسیون شمرده شده‌اند، که اگرچه برخی به دین مسیحیت و اروپای غربی اختصاص دارند، تعدادی نیز عمومی به نظر می‌رسند. عوامل عمومی عبارتند از:

صنعتی شدن، شهرنشینی و شهرگرایی، رشد عقلانیت و عقلانی شدن، رشد مستقل دانش و روش علمی، تحصیلات عالی خصوصاً در علوم انسانی و اجتماعی، فروپاشی جماعات محلی در اثر تحریک اجتماعی و جغرافیایی - و بنابراین دگرگونی در سرشت نظارت اجتماعی که پایه اخلاقی و دینی داشته است - رشد بروکراسی و سازمان‌های بروکراتیک و ساختارهای عقلانی محیط اجتماعی که از رهگذر تأکید بر نقش‌های غیرشخصی، الگوهای رفتاری عقلانی - ابزاری را جایگزین کنش‌های شخصی عاطفی و دینی می‌کند، کاربست علم در تولید محیطی که هرروزه بیشتر از پیش مخلوق خود انسان است و بنابراین از احساس وابستگی به الوهیت می‌کاهد، تکنولوژی که قابلیت‌های انسان برای ارزیابی و تأمین نیازهای خویش را افزایش می‌دهد و روحیه توکل به خدا را کم‌رنگ می‌سازد، فردگرایی که انسان‌ها را از بافت‌های گروهی ثابت و نظم‌های مستقر

نسل‌های پیشین که علایق دینی نیز در آن ریشه دارد. جدا می‌کند. کلیدی‌ترین عوامل به ترتیب اثرگذاری که نمایی تقریبی از فرایند را نیز تصویر می‌کند، چنین است:

سرمایه‌داری صنعتی و رشد اقتصادی، تمایز و تفکیک اجتماعی و ساختاری، تنوع و تکثر اجتماعی و فرهنگی و دینی، برابری خواهی (egalitarianism)، ظهور دولت‌های لیبرال دموکراسی و بی‌طرف (از لحاظ دینی) و خصوصی‌شدن دین، بخش‌بخش شدن جهان زندگی، فردی‌شدن دین (individualization) و برساختگری (bricolage) در فهم دین، نسیت باوری و عینیت‌زدایی از باورهای دینی (همیلتون، ۱۳۸۱؛ ویلسون، ۱۳۷۴؛ Dobbelaere؛ Bruce, 2002؛ سراج زاده، ۱۳۸۳).

چنین استنباط می‌شود که تأثیر سکولارشدن بر مردان بیش از زنان، بر افراد میانسال بیش از افراد خیلی جوان و پیر، بر شهرها بیش از روستاها، بر طبقاتی که به طور مستقیم با تولید صنعتی جدید سروکار دارند بیش از طبقاتی که به مشاغل سنتی تر مشغولند (مانند صنعتگران و مغازه داران کوچک)، می‌باشد. در حواشی جامعه صنعتی جدید، هم بر حسب طبقات حاشیه‌ای (همچون بقایای خرده‌بورژوازی قدیمی) و هم بر حسب افراد حاشیه‌ای (مانند کسانی که از جریان کنار گذاشته شده‌اند)، دینداری مرتبط با کلیسا قوی‌تر است» (تامسون، ۱۳۸۱: ۴۰-۳۹).

با توجه به این مباحث، متغیرهای مستقل مورد توجه در این پژوهش عبارتند از:

رسانه‌های فرامرزی مثل اینترنت، ماهواره‌ها و شبکه‌های بین‌المللی، روزنامه‌ها و مجلات خارجی، که ابزارهای اصلی اشاعه ارزش‌های مدرنیته و همگون‌سازی جهان هستند. پدیده «فضای جریان‌ها» (space of flows) که کاستلز (Castells) آن را مطرح می‌کند، به جریان اطلاعات، مبادلات و ارتباطات از طریق همین شبکه‌های میکروالکترونیک اشاره دارد که فضای خاص خود را به وجود می‌آوردند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۶۴). این تکنولوژی‌ها فرد را در دنیایی خاص غرق می‌کنند و تأثیری نیرومند روی باورها و ارزش‌های او دارند. حداقل تأثیرپذیری از رسانه‌های بین‌المللی، قرار گرفتن در فضایی متکثر است که منجر به رشد فردگرایی و روحیه انتقادی می‌شود. استفاده از رسانه‌های جهانی یا از طریق فردگرایی در فهم دین (فردی‌شدن دین) یا از طریق گرایش نسبت به فرهنگ جهانی، راه نگرش سکولار را هموار می‌کند.

یکی از مهم‌ترین نتایج تحقیق معدل و آزادارمکی در بین کشورهای اسلامی، این است که رژیم و جهت‌گیری فرهنگی آن، عامل تعیین‌کننده مهمی برای نوع دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های فرهنگی مردم است.

گروه‌های مخالف با حکومت، لاقلاً در حد یک کنش عاطفی، نسبت به آن چه رژیم مبلغ و مدافع آن است، موضع منفی می‌گیرند. بنابراین گرایش نسبت به حکومت دینی می‌تواند به عنوان یک متغیر مستقل برای نگرش سکولار مطرح شود (Moaddel & Azadarmaki, 2000-2001: 1-28).

سکونت در شهرهای بزرگ، از رهگذر فراهم کردن امکانات بهتر برای تحصیلات دانشگاهی، دسترسی آسان‌تر به رسانه‌های جهانی، و زمینه مناسب‌تر برای استفاده از تکنولوژی و امکانات رفاهی و تفریحی، زمینه‌ساز نگرش سکولار است. امکانات رفاهی و تفریحی و استفاده از تکنولوژی در زندگی، احساس وابستگی به خدا را در مردم کاهش می‌دهد. تحصیلات دانشگاهی، حضور در محیط علمی و خو گرفتن به هنجارهای آن نیز، می‌تواند عامل تسهیل‌کننده دیگری برای نگرش سکولار باشد. بنابراین محل تولد و سکونت دائمی، میزان استفاده از امکانات رفاهی و درآمد، تحصیلات والدین، و میزان تحصیلات خود فرد (سنوات تحصیلی) را متغیر مستقل محسوب می‌کنیم.

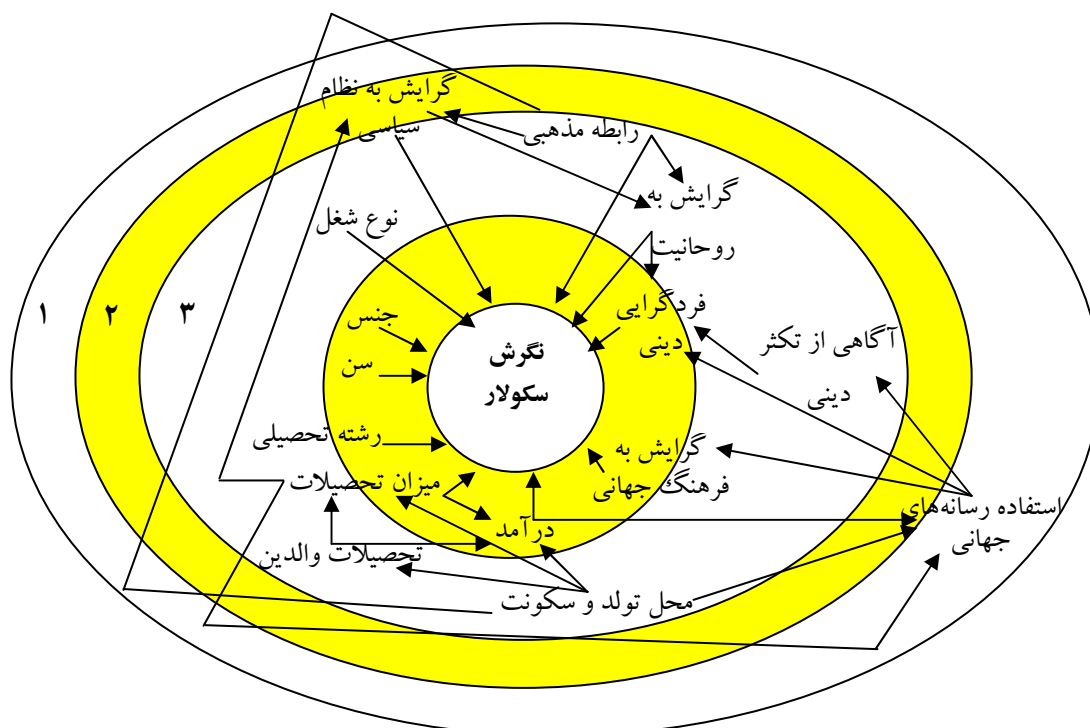
گروه دوستان، انجمن‌ها و اجتماعات صمیمی، تأثیر قابل توجهی بر ایده‌ها، ارزش‌ها و سوگیری‌های فرد دارد. روانشناسان اجتماعی و گروه‌های نخستین با روابط نزدیک و گرم را عامل مؤثری برای اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری می‌دانند. این گروه‌ها با سپردن نقش به فرد و پذیرفتن او به عنوان یک کنشگر اجتماعی، به او هویت مستقل، شخصیت و منزلت می‌دهند و فرد برای پذیرفته شدن، به هنجارهای گروه‌تن می‌دهد. لذا میزان ارتباط با افراد مذهبی و میزان ارتباط با نهادها و انجمن‌های مذهبی مثل مسجد، هیئت و غیره را می‌توان متغیرهای دیگری برای بحث به حساب آورد.

روحانیت، و اخلاق، منش، رفتار اجتماعی و عملکرد اقتصادی این صنف و نیز سازمان اجتماعی آن، نقش مؤثری در گرایش‌های دینی افراد دارد. روحانیت به عنوان مبلغ، مروج و بلکه در نزد اکثریت مردم به عنوان متولی دین در فهم و اجرای آن، نقش مهمی در گرایش دینی مردم دارد. در این جا مقصود، روحانیانی هستند که هیچ‌گونه منصب حکومتی ندارند. گرایش نسبت به روحانیت را به عنوان متغیر دیگری در این جا می‌آوریم. تکثر دینی و اختلاف رأی متخصصان و صاحب‌نظران دینی خصوصاً در ایستارها و دیدگاه‌های کلیدی و رویکردهای اساسی به دین «با آشکار ساختن ریشه‌های انسانی دین، شایستگی تشویق و ستایش آن را مورد تهدید قرار می‌دهد» (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۵۰)، و بنابراین از راه فردگرایی در فهم دین به نگرش سکولار نزدیک می‌شود. پس آگاهی از تکثر و اختلاف رأی صاحب‌نظران دینی را به عنوان متغیری دیگر می‌آوریم.

نوع شغل را می‌توان در این زمره قرار داد. برخی از مشاغل، فضایی عقلانی‌تر از مشاغل دیگر به وجود می‌آورند. عقلانیت ابزاری و بروکراتیک حاکم بر برخی از سازمان‌های شغلی، روابط، کارها و شیوه‌های عمل از پیش محاسبه شده برای به دست آوردن نتایج پیش‌بینی شده در زمان معین، این فکر را القاء می‌کند که نه تنها در کار، بلکه در همه زندگی، هیچ شیء اسرارآمیز و غیرقابل محاسبه‌ای نداریم و همه چیز را می‌توان تحت کنترل درآورد. این فکر رنگی از نگرش سکولار دارد. قبلاً از کسانی مثل برگر، لاکمن و تامسون نقل کردیم که کار صنعتی جدید، نسبت به مشاغل سنتی‌تر، سکولارکننده‌تر است. از طرفی دیگر مشاغلی که امتیازاتی مانند حقوق ثابت و تضمین شده، بیمه‌بازنشستگی و درمان و غیره دارد، نوعی ایمنی خاطر و احساس عدم وابستگی به ماوراء را در انسان‌ها، تقویت می‌کند.

برگر به یک پاره‌فرهنگ بین‌المللی اشاره می‌کند که شامل کسانی می‌شود که دارای تحصیلات عالی به‌خصوص در علوم انسانی و اجتماعی هستند (سراج‌زاده ۱۳۸۳: ۵۲-۵۰). لذا تحصیلات عالی را می‌توانیم در زمره متغیرهای تأثیرگذار بیاوریم.

مدل تبیینی نگرش سکولار



فردی شدن فهم دین با صرف نظر از عوامل همبسته آن که در بحث‌های نظری بیان کرده‌ایم، از این لحاظ که شخص معمولاً در فهم دین، منافع، خواسته‌ها و سایر باورها و ارزش‌های خود، من جمله آنچه را از جوامع مدرن گرفته، خواهناخواه در آن دخالت می‌دهد، راهی به سوی نگرش سکولار است. بر اساس توضیحات فوق، مدل تیسینی را که در صفحه قبل آمده است، ارائه می‌دهیم.

روش سنجش نگرش سکولار

از جهت نحوه گردآوری داده‌ها، با تحقیقی توصیفی (غیرآزمایشی) از نوع پیمایشی سروکار داریم؛ زیرا هدف ما بررسی خصوصیات جامعه‌ای آماری از طریق تشکیل ماتریس متغیر بر حسب داده‌های موردی و تیسین آن‌ها از راه مقایسه موردها است (دواس، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۳).

جامعه آماری تحقیق، مردم شهر مشهد در بازه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال و در تابستان ۱۳۸۴ می‌باشند.

حجم نمونه را از روش با جایگذاری، در سطح قسمتی، به دست آوردیم. برای سطح اطمینان ۰/۹۵، مقدار t (نمره استاندارد) معادل ۱/۹۶ است. مقدار تقریبی s (انحراف استاندارد) را نیز با استفاده از یک آزمون مقدماتی روی نمونه‌ای ۳۳ نفره به دست آوردیم. در این آزمون میانگین انحراف استاندارد ابعاد مختلف نگرش سکولار معادل ۲/۳ محاسبه شد. بر این اساس، حجم نمونه معادل ۲۲۵ نفر می‌شود. برای این که وجود مواردی با پاسخ‌های مفقود، موجب کاهش حجم لازم برای نمونه نشود، مجموعاً ۲۴۱ پرسشنامه اجرا شد که ۳ مورد آن قابل استفاده نبود. لذا عملاً حجم نمونه ۲۳۸ نفر است.

روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. شهر مشهد در سرشماری عمومی کارگاهی سال ۱۳۸۱ به ۱۲ منطقه تقسیم شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان). بر حسب توافق داوران، مناطق ۱ و ۹ طبقه بالا، مناطق ۲، ۳، ۸، ۱۰ و ۱۱ طبقه متوسط و بالاخره مناطق ۴، ۵، ۶، ۷ طبقه پایین محسوب می‌شوند. ما کلاً ۴ منطقه را به طور تصادفی انتخاب کردیم: یک منطقه از میان مناطق طبقه بالا (منطقه ۱)، یک منطقه از میان مناطق طبقه پایین (منطقه ۶)، و دو منطقه از میان مناطق طبقه متوسط که دارای گوناگونی بیشتری هستند (مناطق ۳ و ۸). سپس در مرحله دوم، از میان حوزه‌های هر منطقه، یک حوزه را به طور تصادفی گزینش کردیم: به ترتیب مناطق منتخب، حوزه‌های ۵۱، ۶۵، ۹۴ و ۱۰. و باز در مرحله سوم از میان بلوک‌های هر حوزه، یک بلوک را به طور تصادفی به عنوان نقطه شروع برای نمونه‌گیری انتخاب نمودیم. پرسشگر موظف بوده است از

بلوک منتخب شروع کند و یک خانه در میان به منازل مراجعه و یکی از افراد ۲۰ تا ۵۰ سال هر خانوار را به طور تصادفی گزینش نماید.

ابزار اندازه گیری و روش گردآوری داده‌های تحقیق، پرسشنامه است، یعنی مشاهده غیرمستقیم. از مصاحبه با برخی از حوزویان و دانشگاهیان، فقط در مطالعات اکتشافی استفاده کرده‌ایم. لذا اطلاعات تحلیل شده را تنها از پرسشنامه و عمدتاً از مقیاس لیکرت اخذ نموده‌ایم. مقیاس لیکرت در پرسشنامه این پژوهش، پنج قسمتی و از ۰ تا ۴ کد گذاری شده است و نمره بالاتر، میزان بیشتری از متغیر مربوط را نشان می‌دهد.

قابلیت اعتماد (reliability) پرسشنامه را در پرسشنامه مقدماتی به کمک آلفای کرونباخ دنبال کردیم و هماهنگی درونی گویه‌هایی را که قرار بود تنها یک بُعد را بسنجند، محاسبه نمودیم. میانگین آلفای کرونباخ برای پرسشنامه نهایی حدود ۰/۷۶ است.

اعتبار (validity) اندازه گیری، علاوه بر قضاوت داوران، بر تحلیل عاملی نیز مبتنی شده است، به این صورت که هر دسته از گویه‌های پرسشنامه مقدماتی را که می‌بایست بُعد و جنبه واحدی را بسنجد، به عنوان معرف‌های اجزاء یک سازه در نظر گرفتیم و با تحلیل عاملی، بررسی کردیم که آیا هر دسته از گویه‌ها روی یک عامل (سازه) دارای بار عاملی بالا هستند یا خیر. این اعتبار عاملی که نوعی اعتبار سازه‌ای است (سرمد و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۷۳-۱۷۲)، به حذف گویه‌های نامناسب کمک نمود.

یافته‌های تحقیق در نگرش سکولار

توصیف ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان

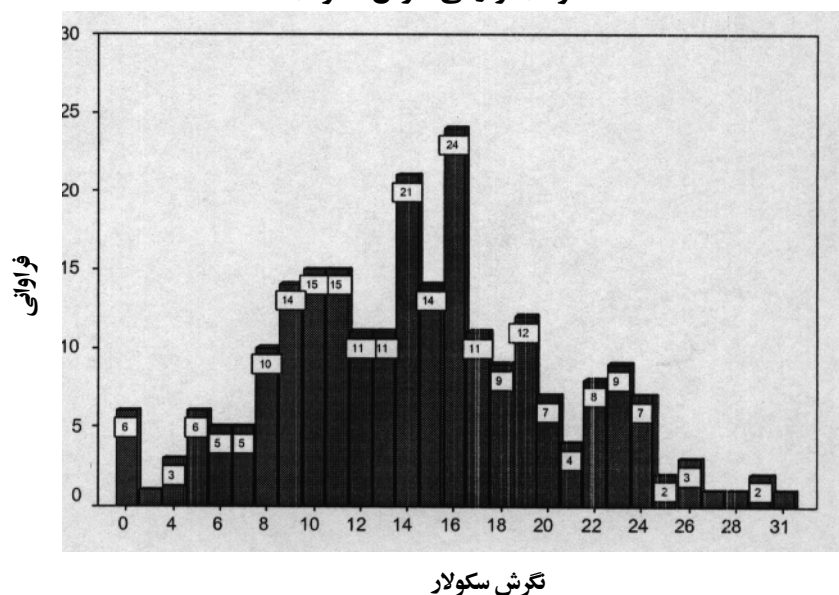
تعداد پاسخگویان ۲۳۸ نفر بوده است که از این تعداد ۵۲٪ زن و ۴۸٪ مرد بوده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۷ سال، و مُد آن ۲۰ سال است. میانگین و مد میزان تحصیلات، ۱۲ سال است. ۹۰ نفر از آزمودنی‌ها یعنی حدود ۳۷/۵٪ نمونه دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند که ۴۷٪ از آن‌ها در علوم انسانی و اجتماعی و ۵۳٪ بقیه در سایر رشته‌ها تحصیل کرده‌اند. همچنین ۳۲/۴٪ از پاسخگویان در مؤسسات خصوصی شاغل بوده‌اند یا شغل آزاد دیگری داشته‌اند. ۱۲/۶٪ کارمند دولت، ۲۹/۸٪ خانه‌دار، ۲۱٪ محصل یا دانشجو و ۴/۲٪ بیکار یا بازنشسته بوده‌اند. ۷۵٪ نمونه دارای درآمد سرانه ماهانه‌ای بین ۱۰,۰۰۰ تا ۳۰۰,۰۰۰ تومان هستند و تنها ۵٪ دارای درآمدی بالاتر از ۳۰۰,۰۰۰ تا ۸۰۰,۰۰۰ تومان می‌باشند. محل سکونت دائمی ۴/۲٪ از پاسخگویان شهر کوچک، ۹۳/۷٪

شهر بزرگ و ۲/۱٪ باقی مانده شهر تهران بوده است. آزمودنی‌ها (نمونه) از لحاظ جنس توزیع مناسبی دارند. ۵۲٪ زن و ۴۸٪ مرد، ولی چون مکان پژوهش فقط شهر مشهد بوده است، محل تولد و محل سکونت از واریانس خوبی برخوردار نیست و غلبه با شهر بزرگ است. بازه سنی در پژوهش ۲۰ تا ۵۰ است، یعنی تمام دوره جوانی و فقط مرحله اول دوره میانسالی، در نمونه نیز غلبه با جوانان (۲۰ تا ۳۹) است.

توصیف نگرش سکولار (متغیر وابسته)

نمره نگرش سکولار، مجموع نمرات پاسخگو در ابعاد چهارگانه نگرش است. نمودار بعدی به توصیف فراوانی آن پرداخته است:

نمودار فراوانی نگرش سکولار



تحلیل واریانس بیانگر اختلاف معنی‌دار مردان و زنان در میانگین نگرش سکولار است. متغیرهای مناسک دینی فردی و مناسک دینی جمعی هر کدام دارای مقیاسی از ۰ تا ۱۲ بوده‌اند. آزمون t اختلاف میانگین‌های مناسک فردی و مناسک جمعی را از نظر آماری، معنی‌دار نشان می‌دهد. t در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است که حکایت از غلبه و گرایش بیشتر به مناسک فردی دارد.

تحلیل واریانس یک طرفه نگرش سکولار در رشته‌های تحصیلی دانشگاهی نیز حاکی از عدم تفاوت معنی‌دار بین میانگین‌های نگرش سکولار در رشته‌های تحصیلی مورد آزمون است. همبستگی ساده بین میانگین سکولار و متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که نگرش سکولار قوی‌ترین رابطه مستقیم را با گرایش به فرهنگ جهانی دارد و با میزان تحصیلات رابطه معنی‌داری از نظر آماری ندارد.

تحلیل داده‌ها

وارد کردن متغیرهای مستقل در معادله رگرسیون به روش گام به گام نشان می‌دهد که چهار تا از آن‌ها بهترین پیش‌بینی‌های نگرش سکولار هستند و جمعاً ۵۰٪ واریانس متغیر نگرش سکولار را به حساب می‌آورند:

Model Summary

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.552 ^a	.305	.297	4.719
2	.656 ^b	.430	.417	4.295
3	.681 ^c	.464	.445	4.192
4	.707 ^d	.500	.476	4.072

- a. Predictors: (Constant) گرایش به فرهنگ جهانی
- b. Predictors: (Constant) گرایش به فرهنگ جهانی، فردگرایی دینی
- c. Predictors: (Constant) گرایش به فرهنگ جهانی، فردگرایی دینی، جنس
- d. Predictors: (Constant) گرایش به فرهنگ جهانی، فردگرایی دینی، جنس، رابطه مذهبی
- e. Dependent Variable نگرش سکولار

بعد از این که معنی‌دار نبودن تعامل بین متغیرهای مقوله‌ای و متغیرهای کمی روشن شد، به معنی‌دار بودن یا نبودن مشارکت متغیرهای مقوله‌ای در R^2 پرداختیم. نتیجه این شد که متغیر شغل افزایش معنی‌داری به R^2 نمی‌دهد، و بنابراین میانگین نگرش سکولار در مشاغل مختلف تفاوت معنی‌داری ندارد. از بین متغیرهای مقوله‌ای، تنها متغیر جنس دارای مشارکت معنی‌دار در R^2 است، یعنی میانگین نگرش سکولار در بین زنان و

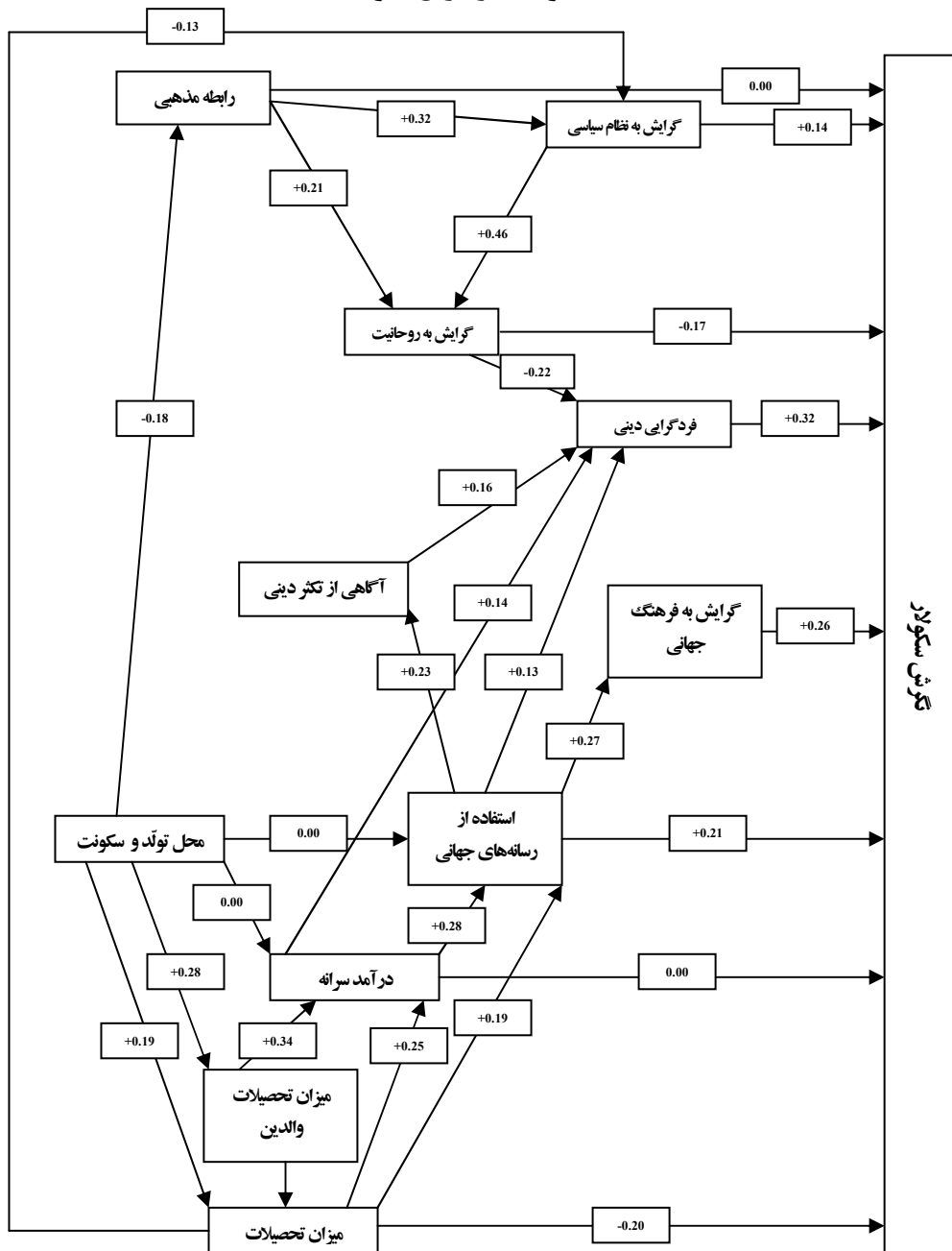
مردان تفاوت معنی‌دار دارد. نتیجه تحلیل واریانس نگرش سکولار در مردان و زنان نیز، همین است و مردان سکولارتر از زنان هستند.

تحلیل مسیر نگرش سکولار

به غیر از چند مورد اختلاف بیشتر از ۰/۰۵، بین همبستگی مشاهده شده در ماتریس همبستگی‌ها و همبستگی بازسازی شده از روی نمودار مسیر، در سایر موارد یا اختلافی وجود ندارد و یا کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین با کمی تسامح می‌توانیم مدل را قابل دفاع بدانیم. شش متغیری که رابطه بلاواسطه با نگرش سکولار دارند، مجموعاً ۳۵٪ از واریانس متغیر وابسته را به حساب می‌آورند. بر طبق نمودار مسیر مهم‌ترین متغیرهایی که مستقیماً در نگرش سکولار تأثیر گذارند، گرایش به نظام سیاسی (۰/۱۴+)، گرایش به روحانیت (۰/۱۷-)، فردگرایی دینی (۰/۳۲+)، گرایش به فرهنگ جهانی (۰/۲۶+)، استفاده از رسانه‌های جهانی (۰/۲۱+) و میزان تحصیلات (۰/۲۰-) که مجموعاً ۳۵٪ از واریانس متغیر ملاک را به حساب می‌آورند.

بنابراین، سن، نوع شغل (آزاد در مقابل دولتی) و رشته تحصیلی در دانشگاه (علوم انسانی و اجتماعی در مقابل غیر این دو)، برخلاف فرضیه‌های پیشنهاد شده، تأثیر معنی‌داری در نگرش سکولار ندارند. ارتباط با افراد و نهادهای مذهبی (رابطه مذهبی)، و درآمد سرانه، تأثیر مستقیم و بلاواسطه‌ای (تفکیکی) در نگرش سکولار ندارند. یعنی در صورت ثابت بودن سایر عوامل، این دو عامل رابطه‌ای با نگرش سکولار نشان نمی‌دهند. رابطه مذهبی از طریق تأثیر مثبتی که بر گرایش به نظام سیاسی و گرایش به روحانیت دارد، تأثیر خود را می‌گذارد، ولی این تأثیری دوگانه است؛ زیرا تأثیر گرایش به نظام سیاسی در متغیر وابسته، مثبت و تأثیر گرایش به روحانیت در آن، منفی است (توجه احتمالی این مطلب در بخش بعدی). تأثیر درآمد سرانه نیز از طریق اثر مثبتی است که بر استفاده از رسانه‌های جهانی و فردگرایی دارد. برخلاف فرضیه‌های تحقیق، رابطه گرایش به نظام سیاسی با نگرش سکولار، منفی نیست، بلکه مثبت است. همین نکته به طور عکس درباره میزان تحصیلات نیز صدق می‌کند، یعنی رابطه تفکیکی میزان تحصیلات با متغیر وابسته برخلاف انتظار، مثبت نیست، بلکه منفی است. (همین جا یادآوری این نکته نیز مفید است که میزان تحصیلات با التزام به اعمال و مناسک دینی خصوصاً جمعی همبستگی منفی داشت، هرچند همبستگی تفکیکی آن دو معنی‌دار نبود).

نمودار مسیر نگرش سکولار



بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری از یک نمونه ۲۴۰ نفری برای شهر مشهد به عنوان جامعه آماری، با درصدی از خطا همراه است و باید محتاطانه صورت بگیرد. طبیعی است که این امر درباره کل جامعه ایران بیشتر صدق می‌کند. بنابراین به بحث‌ها و نتیجه‌گیری‌های ذیل باید با توجه به محدودیت‌های موجود، نظر کرد.

در نمودار مسیر تنها متغیر بیرونی محل تولد و سکونت است. در این متغیر هر چه از روستا و شهرهای کوچک به طرف شهرهای بزرگ و بزرگ‌تر می‌رویم، میزان تحصیلات والدین و میزان تحصیلات خود فرد و در نتیجه، درآمد او و میزان استفاده‌اش از رسانه‌های جهانی افزایش می‌یابد و این حاکی از تمرکز توسعه اجتماعی و انسانی در شهرها، خصوصاً مراکز استان و بالانحص تهران می‌باشد. همچنین اثر مثبت درآمد سرانه در فردگرایی، از ویژگی‌های مدرنیسم (جنبه فرهنگی مدرنیته) است.

از سوی دیگر در شهرهای بزرگ، ارتباطاتی که محور مذهبی دارد (رابطه مذهبی)، نسبت به روستاها و شهرهای کوچک‌تر، تنزل می‌یابد. تأثیر منفی متغیر محل تولد و سکونت در متغیر رابطه مذهبی (۰/۱۸-)، باز نمود گر این واقعیت است.

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، رابطه مذهبی به طور غیرمستقیم تأثیری دوگانه در نگرش سکولار دارد. یک اثر آن کاملاً روشن است و آن اثری است که با واسطه‌گرایی به روحانیت دارد، به این صورت که ارتباط گرم، صمیمی و فعال با نهادها و افراد مذهبی، گرایش به روحانیت فاقد مسئولیت سیاسی را افزایش می‌دهد. و گرایش به روحانیت به عنوان مبلغ و حامل دین، در پذیرش افکار و منش آنان و کاهش نگرش سکولار مؤثر است. این واقعیت مطابق و مؤید این حقیقت است که در دینداری اکثر مردم، عاطفه عامل نیرومندتری از اندیشه است.

اثر دیگر رابطه مذهبی، اثری است که از طریق گرایش به نظام سیاسی اعمال می‌شود، به این صورت که فعالیت در نهادهای دینی و رابطه خوب با دینداران و برخورداری از خودپنداره مذهبی، تعهد و تعلق به نظام سیاسی موجود و آرمان آن را افزایش می‌دهد. تا این‌جا نکته خلاف انتظاری وجود ندارد. مسئله این‌جاست که افزایش گرایش به نظام سیاسی، سبب افزایش نگرش (۰/۱۴+) سکولار می‌شود، اما چرا؟

بسیاری از نظریه‌پردازان، مدرنیته را فرایندی محتوم و عام برای همه جوامع می‌دانند و نه منحصر به غرب. این یک واقعیت است که لااقل برخی از ویژگی‌های مدرنیسم - به هر علتی - گریزناپذیر است (برمن، ۱۳۸۳). جامعه

ما نیز از این نکته استثنا نیست و گردانندگان جامعه مجبور شده‌اند به برخی از خصوصیات مدرنیسم و پیامدهای توسعه و مدرنیزاسیون تن در دهند و حتی آن را تبلیغ کنند. تشویق به زندگی شادتر با وسایل و امکانات هر چه بهتر، تلاش برای رسیدن به رفاه و آسایش مادی و پیشرفت بیشتر اقتصادی، به وجود آوردن بازار مبتنی بر رقابت و سود و تولید نیاز و مهم‌تر از همه ترویج برداشتی از دین که با الزامات دنیای جدید، سازگار باشد، از پیش‌یافته‌ترین مثال‌هاست. در این گونه موارد گاه فرق و فاصله بین نگرش سکولار و نگرش دینی به قدری باریک و ظریف می‌شود که از یکی به دیگری در غلتیدن، برای نوع مردم به آسانی صورت می‌گیرد. کسی که در جامعه‌ای زندگی می‌کند که از در و دیوارش تبلیغ برای مصرف کالای بیشتر و جدیدتر می‌بارد، معمولاً نمی‌تواند به دنیا تنها در حد یک وسیله موقت برای سفر به مقصدی دیگر نگاه کند (نگرش دینی)، دنیا برای نوع انسان‌های معمولی که در چنین جامعه‌ای به سر می‌برند، هدف و آرمانی والا می‌شود و هر جور شده باید به دستش آورد (نگرش سکولار).

بنابراین جای تعجب ندارد که در صورت ثابت بودن عوامل دیگر، کسانی که گرایش بیشتری به نظام سیاسی دارند، و گفتار و عمل آن را سرمشق خود قرار می‌دهند، بیشتر تحت تأثیر جهت‌گیری‌های فرهنگی‌اش قرار می‌گیرند و در برخی از جنبه‌های زندگی نگرش‌هایی سازگارتر با دنیای مدرن می‌یابند و لاقفل در برخی ابعاد، نگرشی نسبتاً سکولار می‌یابند.

این که برخلاف انتظار و فرضیه پیشنهادی، میزان تحصیلات رابطه منفی با نگرش سکولار دارد، از یک جهت با همین قضیه مرتبط است. هر چه میزان تحصیلات بالا می‌رود، گرایش به نظام سیاسی کاهش می‌یابد (ضریب مسیر = $-0/13$)، در نتیجه، نگرش سکولار هم کم می‌شود. ولی نکته قابل توجه در مورد تحصیلات این است که رابطه تفکیکی آن نیز با نگرش سکولار، منفی است. این جاست که باید کمی عقب‌تر برگردیم و از نظریه‌های شکل‌دهنده به چارچوب نظری مسئله تحقیق و مدل تحلیلی خبر بگیریم.

دسته دوم، نظریه‌های پساسکولاریزاسیون (Post secularization) بودند. شاید این نظریات بتوانند این دو مورد خلاف انتظار را تبیین کنند. گفتیم که نظریات پساسکولاریزاسیون معتقدند که تقاضا برای دین همیشه وجود دارد، این عرضه کالای دینی است که تغییر می‌کند. روند سکولار شدن سازمان‌های رسمی دین، کم‌کم به جایی می‌رسد که دین عرضه شده توسط آنان نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای عمیق و معنوی مردم باشد. در این هنگام است که جنبش‌های احیای دین و یا نوآوری دینی رونق می‌یابند. شاید تحصیلکردگان در

دنیای مدرن بهتر از دیگران (که با آنها در متغیرهای دیگر برابرند) می‌فهمند که منشأ خلاً معنوی انسان مدرن کجاست و لذا به نگرش‌های سکولار کمتر بها می‌دهند. نتیجه به دست آمده، در مورد رابطه منفی بین میزان تحصیلات و نگرش سکولار، با آنچه از برخی تحقیقات داخلی استفاده می‌شود، منافاتی ندارد. برخی پژوهش‌ها، رابطه معکوس بین تحصیلات و دینداری را نشان می‌دهد، ولی خود محققان تذکر می‌دهند که نمی‌توان این امر را به طور قاطع به معنای تضعیف دینداری به سبب تحصیلات تلقی کرد، بلکه شاید تنها تغییر نوع دینداری باشد (میرسندهی، ۱۳۸۳: ۱۳۳-۱۲۷). حالاً این پژوهش می‌تواند مکمل نتایج آن تحقیقات باشد، به این که مؤید همین احتمال تغییر نوع دینداری در افراد تحصیلکرده‌تر است.

دسته سوم، نظریات نوسکولاریزاسیون بودند که دین را پایدار ولی در تحولی دائمی می‌بینند. شکل‌ها و ترکیب‌های نو جای شکل‌های قدیمی را می‌گیرند. یک تغییر شکل عمده، روند فردی شدن دین است. مصداق این تحول در بُعد عملی دین، توجه کمتر به اعمال و مناسک جمعی در مقایسه با اعمال و مناسک فردی است که تفاوت معنی‌دار میانگین‌های آن دو را نشان دادیم. نشانه‌های وجود ترکیب‌های نو در پاسخی که برخی از آزمودنی‌ها به پرسش باز در پرسشنامه دادند، نیز مشاهده شد.

پیشنهادها

با توجه به همه این موارد، می‌گوییم که پروراندن برداشت‌های دینی سازگارتر با مقتضیات زندگی مدرن و عملاً سامان دادن به زندگی مردم بر اساس آن برداشت‌ها، خوب است، به شرطی که به قیمت از دست دادن قدرت پاسخگویی به معنویت مورد نیاز انسان‌ها تمام نشود. اقناع اندیشه بشر نباید به قیمت عطش روان او تمام شود. راه حل مشکل این نیست که هم مقتضیات زندگی مدرن را تبلیغ کنیم، و هم قرائت‌های سازگار با آن را ترویج کنیم، و هم معنویت و عرفان را تشویق نماییم، و دلخوش باشیم که محصول ما انسانی است که هم دیندار است و هم موافق دنیای نو. جمع بین برخی از این موارد، شبیه جمع ضدین است که انسان‌های معمولی از عهده آن بر نمی‌آیند. انسانی که هم در معرض بازار رقابتی و سودجویی و تشویق به مصرف قرار می‌گیرد و هم برای او از عرفان سخن گفته می‌شود، کمتر به یک دیندار واقعی تبدیل می‌شود که دنیا را چون وسیله‌ای بنگرد برای سعادت اخروی، بلکه محصول ما معمولاً انسان دنیاطلبی است، فقط رسماً و اسماً دیندار.

باید برداشتی از دین در نظر (گفتار) و عمل (برنامه‌ریزی اجتماعی) عرضه کرد که علاوه بر این که با اندیشه انسان مدرن در تعارض نیست، توانایی سیراب کردن عطش روانی او نیز از دست نداده باشد. و الا انسان‌ها اگر در بهترین حالت، گرگ یکدیگر نشوند و دیندار باقی بمانند، برای رفع نیاز معنوی خود دست به دامان دین‌ها و قرائت‌های شخصی می‌شوند.

با توجه به این نکته که تکثر دینی در نگرش سکولار تأثیر مثبت داشته است، توصیه به مراجع رسمی دین این می‌تواند باشد که ایشان لااقل اختلاف بین خودشان را حل کنند. درست است که وجود اختلاف نظر، امری کاملاً طبیعی است، ولی اثر طبیعی آن نیز لااقل در مردم عادی همان است که گفتیم. مثلاً ضرورت وجود رساله‌ای واحد در توضیح احکام شرعی که عمل به آن از نظر همه فقهاء عظام، مجزی باشد، اکنون بیشتر از گذشته احساس می‌شود.

جا برای پژوهش در کم و کیف نگرش سکولار بسیار است. پژوهش‌هایی که در رابطه با این موضوع و یا موضوعات شبیه آن صورت گرفته است، معمولاً دارای حجم نمونه کمتر از ۵۰۰ نفر است. برای حصول نتایج قابل اعتمادتر به نمونه‌هایی با حجم‌های به مراتب بیشتر نیاز است؛ زیرا برخی از عناصر موجود در این گونه تحقیقات دارای توزیعی با واریانس زیاد است. توصیه دیگر ما به پژوهشگران این حیطه این است که اگر در پی بررسی متغیرهای تأثیرگذار در این موضوع هستند، تعداد کمتری را وارد تحلیل کنند تا بتوانند از عهده همه جزئیات مسئله برآیند و با اطمینان بیشتری نظر دهند.

فهرست منابع

- اتکینسون، ری‌تال. و دیگران (۱۳۸۰): *زمینه روانشناسی هیلگارد*، ترجمه حسن رفیعی و دیگران، تهران، انتشارات ارجمند و انتشارات شهر آب.
- ارونسون، البوت (۱۳۷۹): *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه حسین شکرکن، تهران، انتشارات رشد.
- امام خمینی (ره) (۱۳۷۳): *ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی*.
- برمن، مارشال (۱۳۸۳): *تجربه مدرنیته*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، انتشارات طرح نو.
- تامسون، کنت (۱۳۸۱): «دین و دنیوی شدن»، ۲۵-۵۲، ترجمه ع. بهرام‌پور و ح. محمدثی، *دین و ساختار اجتماعی*، تهران، انتشارات کویر.
- جلیلی، هادی (۱۳۸۳): *سکولار شدن*، تهران، طرح نو.
- دواس، دی. ای. (۱۹۹۱-۱۳۸۲): *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نابی، تهران، نشر نی.
- دیویس، وینستون (۱۳۷۳): «جامعه‌شناسی دین» ۳۴۷-۳۷۴، *در دین پژوهی*، ترجمه و گردآوری ب. خرمشاهی، دفتر دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۳): *چالش‌های دین و مدرنیته*، تهران، طرح نو.
- سرمه، زهره و دیگران (۱۳۷۳): *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.
- سروش، عبدالکریم و دیگران (۱۳۸۲): *سنت و سکولاریسم*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶): *مدارا و مدیریت*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- شورای بازنگری قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸ (۱۳۷۵): *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فروند، ژولین (۱۳۸۳): *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۰): «تعارض سنت و مدرنیته در عرصه توسعه اجتماعی در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳، ۸۱-۶۱.
- ملکیان، مصطفی و دیگران (۱۳۸۲): *سنت و سکولاریسم*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- میرسندسی، سیدمحمد (۱۳۸۳): «جامعه‌شناسی انواع دینداری»، رساله دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- همیلتون، ملکلم (۱۳۸۱): *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.

ویلسون، براین آر. (۱۳۷۴): «جدال‌نگاری دین و دنیا»، ترجمه مرتضی اسعدی، ۱۴۶-۱۲۴، در فرهنگ و دین، گردآورنده و ویراسته ب. خرمشاهی، تهران، طرح نو.

ویلم، ژان پل (۱۳۷۷): *جامعه‌شناسی ادیان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیان.

- Baker, W. E. & Inglehart, R. (2000): "Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values", *American Sociological Review*, 65: 19-51.
- Bruce, S. (2002): *God is Dead: Secularization in the West*, Oxford, Blackwell Publishing.
- Dobbelaere, K. (1999): "Towards an Integrated Perspective of the Processes Related to the Descriptive Concept of Secularization", *www. Findarticles. Com*.
- Gove, P. B. & Others. (1981): *Webster's Third International Dictionary*, U.S.A: Merrian-Webster Inc. Publishers.
- Hadden, J.K. (2004): "Paradigms in Conflict: Secularization and the Theory of Religious Economy", <http://religiousmovements.lib.virginia.edu/lecures/secular.html>.
- Inglehart, R. & Norris, P. (2004): "Sacred and Secular Religion and Politics Worldwide", www.pippanorris.com.
- Moaddel, M. & Azadarmaki T. (2001): "The Worldviews of Islamic Publics: The Cases of Egypt, Iran, and Jordan", www.worldvaluessurvey.org.

مشخصات نویسندگان

دکتر علی اصغر سیلابیان طوسی دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد است.

محمدمسعود سعیدی نامقی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه در دانشگاه فردوسی مشهد، پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (گروه مطالعات اجتماعی) و مدرس حوزه و دانشگاه است. علائق پژوهشی وی جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی شناخت، فلسفه علم و مطالعات فرهنگی است.

Email:msaeedi110@gmail.com

Blog:m-saeedi.blogfa.com